

شرق‌شناسی و مهدویت در برخی دایره‌المعارف‌های بزرگ

خدا مراد سلیمیان*

حمید سعادت**

چکیده

مباحث مربوط به مهدی موعود^ع همواره مورد توجه اندیشمندان بوده و از جهات گوناگون بررسی شده است. به موازات تلاش ارزشمند دانشمندان مسلمان در تبیین صحیح آموزه‌های مهدوی، اسلام‌شناسان غربی نیز از این موضوع غافل نمانده و درباره این باور اصیل اسلامی به اظهار نظر پرداخته‌اند. بیشتر دیدگاه‌های مستشرقان و مهدی‌پژوهان غربی، خواسته یا ناخواسته، از حقیقت مهدویت فاصله گرفته است که این امر، همت دوچندان مدافعان حریم امامت و مهدویت را در پاسخ‌گویی به شبهات مطرح شده طلب می‌کند. اما با وجود تلاش‌های انجام شده، روند نقد و بررسی مقالات و نوشته‌های اندیشمندان غربی، به‌ویژه آنچه در دایره‌المعارف‌های معتبر آمده، به کندی صورت پذیرفته است. نوشتار پیش رو، گام کوچکی در مسیر آشنایی با کلیاتی در این باره است.

واژگان کلیدی

مهدویت، مستشرقان، شرق‌شناسی، شرق‌شناسان، دایره‌المعارف‌های غربی.

* استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم (نویسنده مسئول) (kh.salimian@yahoo.com).
** کارشناس ارشد مهدویت.

مقدمه: شرق‌شناسی و اسلام‌شناسان غربی

امروزه شرق‌شناسی از دیدگاه اندیشمندان و پژوهش‌گران غربی _ به عنوان بحثی نوپدید _ یکی از عرصه‌های برجسته پژوهشی به‌شمار می‌آید. این گستره، دین، آداب و رسوم، فرهنگ و تمدن مردم شرقی را دربر می‌گیرد و گاه با اندکی تسامح در مفهوم، به اسلام و تاریخ آن محدود می‌شود. از این‌رو به اسلام‌شناسان غربی، مستشرق یا شرق‌شناس نیز می‌گویند.^۱

برخی بر این باورند که برجسته‌ترین انگیزه مستشرقان در اهتمام به بررسی‌های شرق‌شناسانه، نخست جنبه دینی داشته و سپس جنبه سیاسی، اقتصادی و استعماری پیدا کرده است.^۲ در این میان، جذابیت‌های ویژه اسلام و انگیزه‌های گوناگون شرق‌شناسان، آنان را بر آن داشته تا نسبت به اسلام و موضوعات مربوط به آن، توجه بیشتری نشان دهند.

با توجه به آنچه به اختصار بیان شد، اسلام‌شناسان غربی را می‌توان به سه گروه

تقسیم کرد:

1. گروهی که به مفهوم دقیق کلمه، شرق‌شناسند؛ یعنی آن گروه از اندیشمندان غربی غیرمسلمان که در مورد باورها، اندیشه‌ها، تمدن و فرهنگ شرقی پژوهش می‌کنند.
2. گروهی از اندیشمندان غربی همچون «رنه گون» و «مارتین لینگر» که پس از پژوهش درباره اسلام، مسلمان شده و آثاری را در این باره از خود بر جای گذاشته‌اند.
3. اندیشمندان مسلمان که در اصل شرقی هستند، اما زندگی خود را در غرب سپری کرده، در مراکز علمی به پژوهش، بررسی و تدریس درباره تمدن و فرهنگ شرقی پرداخته‌اند؛ به گونه‌ای که در دهه‌های گذشته، بیشتر نویسندگان و پژوهش‌گران دایرةالمعارف‌ها و دانشنامه‌ها و نیز مدرّسان مراکز دانشگاهی درباره اسلام و تمدن شرقی، از این گروه هستند. «جاسم حسین»، «ساشادینا» و «حامد الگار» از این دسته افرادند که اگرچه آنان را نمی‌توان از مصادیق واقعی مستشرقان دانست، اما به سبب زندگی متمادی در فرهنگ غرب و آشنایی با روش و نگرش آنان به موضوع‌های گوناگون، ویژگی افراد بومی را پیدا کرده‌اند.^۳

به نظر می‌رسد این نوع تفکیک میان اسلام‌شناسان غربی، تصویر بهتری از خاستگاه اندیشه‌های آنان درباره آموزه‌های اسلامی ارائه خواهد داد. بررسی محتوای نوشته‌ها و تحلیل‌های شرق‌شناسان درباره رویدادهای اسلام و مسلمانان _ به‌ویژه شیعیان _ انگاره و نظام فکری _ تحلیلی آنان و شاخصه‌های آن را روشن خواهد ساخت.^۴ طبیعی است که نظام فکری _ تحلیلی حاکم بر اندیشه این

دین‌پژوهان نیز متأثر از محیط پیرامون آن‌ها خواهد بود. همین عامل باعث شده آن دسته از اسلام‌شناسان غربی که اصالتاً شرقی و مسلمان هستند اما سال‌ها در محافل علمی غرب حضور داشته‌اند، از لحاظ روش تحقیق در موضوع‌های اسلامی، به دو دسته دیگر نزدیک شوند. از این‌رو معمولاً تخصص‌گرایی، دقت نظر، روش‌مندی، انسجام و پی‌گیری، از ویژگی‌های علمی مشترک میان هر سه دسته از اسلام‌شناسان یادشده است.

1. زمینه‌شناسی ورود اسلام‌شناسان غربی به موضوع مهدویت

اگرچه اسلام‌شناسان غربی به‌طور عموم به برخی مباحث مهدویت پرداخته‌اند، اما هرگز به‌طور کامل با یک انگیزه وارد این عرصه نشده‌اند و زمینه‌ها و انگیزه‌های گوناگونی در ورود آن‌ها به این عرصه نقش داشته است که برخی از این‌ها عبارتند از:

الف) جذابیت‌های فرهنگ و تمدن اسلامی

جذابیت‌های تمدن اسلامی در مجموعه تمدنی مشرق‌زمین، به اندازه‌ای بوده است که مستشرقان ورود به آن را به‌طور جدی در برنامه‌های تحقیقاتی خود قرار داده‌اند. البته در این ورود، جایگاه موضوع‌هایی چون فلسفه اسلامی، کلام، تاریخ اسلام، عرفان اسلامی، قرآن‌پژوهی، حدیث، ملل و نحل و دیگر علوم مربوط به تمدن اسلامی تأثیر شگرفی داشته است.

ب) اهداف استعماری و تبشیری

در میان کسانی که با انگیزه‌های سالم پا به این عرصه نهادند، کسانی بوده‌اند که با اهداف تبشیری و استعماری به این میدان آمده‌اند که پی‌آمد آثار آن‌ها، ضربه به اسلام و ایجاد تفرقه در میان امت اسلامی بوده است. این شرق‌شناسان برای خاورشناسی، بیشتر به سوی مؤسسات و بنیادهایی با عناوین علمی و بشردوستانه گسیل می‌شدند و به‌طور عمده وابسته به گرایش‌های ضد اسلامی بودند. «همیلتون گیب» _ شرق‌شناس برجسته _ درباره برخی از خاورشناسان، بر این باور است که بعضی از آنان گاه خود را در موضع برتر می‌دیدند و با این تصور که تمدن و مذهبشان برتر از تمدن شرقیان است، درباره تمدن و فرهنگ اسلامی قضاوت‌های نادرست و ضعیفی ارائه می‌دادند.^۵

ج) نگاه اندیشمندان به آموزه‌های اسلامی

بر خلاف دیدگاه کسانی که شرق‌شناسی را به‌طور کلی، و تلاش اسلام‌شناسانه غربیان را به‌طور خاص، یک حرکت حساب‌شده استعماری و مابیه تضعیف دین می‌دانند، گروهی دیگر بر این باورند که توجه غرب به تمدن شرق و به‌ویژه تمدن اسلامی و در پی آن، آموزه‌های اسلامی، نتیجه نگاهی علمی و تحقیقی است که بر اهداف استعماری تقدم داشته است؛ هرچند استعمار در دوره‌هایی از آن بهره‌برداری کرده است.

اسلام‌شناسان غربی _ چه آن‌ها که به صورت تحقیقی و عالمانه به اسلام پرداخته‌اند یا آن‌ها که مغرضانه در این وادی وارد شده‌اند _ به مباحث کلامی و تاریخی، به‌ویژه موضوعات مورد اختلاف فرقه‌های اسلامی توجهی ویژه داشته‌اند. در برخی زمان‌ها شرایط خاص، سبب می‌شد توجه به اسلام و تشیع به صورت جدی‌تر در دستور کار آن‌ها قرار گیرد.

برخی صاحب‌نظران برآنند که غربیان در زمان جنگ‌های صلیبی (قرن پنجم هجری) با مکتب تشیع آشنا شدند و به بررسی آن پرداختند و در دوره صفویه به شکل ویژه‌ای به مطالعه درباره آن روی آوردند. آشنایی غربیان با شیعیان ایران و دیگر مناطق و پدید آمدن کتاب‌ها و سفرنامه‌های فراوان درباره تشیع، افزایش نوشته‌های غربیان در این باره را به دنبال آورد. این نوشته‌ها به آرامی به آثار و اسناد مهمی در تاریخ تشیع و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعیان بدل شد. اگرچه این مطالعات به مسائل مهم و درخوری می‌پردازند، کاستی‌های فراوانی نیز دارند و از شیعه و روحانیان آن تصویری واقعی و درست ترسیم نمی‌کنند. این کمبود در نوشته‌های پیشین غربیان بیشتر است.^۶

د) توجه به نهضت‌های اصلاح‌طلبانه اسلامی

در دو قرن گذشته، با توجه به برخی رخدادها و وقایع پیش‌آمده در سرزمین‌های اسلامی، همچون ادعای بعضی از مدعیان دروغین مهدویت در سرزمین‌های اسلامی و به وجود آمدن مذاهبی مانند کیسانیه، اسماعیلیه، شیخیه، بابیت و بهابیت، برخی از اندیشمندان غربی بر موضوع مهدویت تکیه کرده و درباره نگرش مسلمانان و متون اسلامی پیرامون مهدویت سخن گفته‌اند. هم‌زمانی برخی مستشرقان مانند گلدزیهر، دارمستتر، ادوارد براون، فان فلوتن و... با برخی از جریان‌های مدعی مهدویت، در علاقه‌مندی بیشتر آن‌ها به این مباحث نقش داشته است. در هر صورت، موضوع مهدویت به عنوان یک اصل پذیرفته شده در میان فرقه‌های اسلامی، در فراز و نشیب تاریخ، مورد توجه و حتی سوء استفاده قرار گرفته و گاهی این حرکات با انگیزه‌های استعماری همراه شده و توجه

ویژه اسلام‌شناسان غربی را برانگیخته است و سبب شده دربارهٔ مباحث مهدویت و مفاهیم مربوط به آن به بحث و گفت‌وگو بپردازند و در این راستا مسائل متعددی را مطرح کنند.

هـ) نگاه کلان به موضوع منجی و جامعهٔ آرمانی

بحث مهدویت _ که در آموزه‌های اسلامی جایگاهی برجسته و ویژه دارد _ در نگاهی کلی و به صورت بین‌الادیانی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در همهٔ ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی (سامی و غیرسامی) این باور در شکل‌ها و گونه‌های گوناگون پدید آمده است و همهٔ مذاهب، آرمان‌نهایی جوامع بشری را ظهور و تجلی شخصیت آسمانی و یک منجی دینی می‌دانند. بر پایهٔ این باور دینی، بسیاری از دین‌پژوهان غربی ذیل عناوینی همچون منجی‌گرایی، بازگشت مسیح، هزاره‌گرایی، نجات، رستگاری، پایان تاریخ، آینده‌پژوهی و مانند آن، به این موضوع پرداخته‌اند و دربارهٔ نگرش ادیان به این موضوع، کتاب‌ها و مقالات فراوانی نگاشته‌اند.^۷

افزون بر اسلام‌شناسان غربی _ که موضوع مهدویت را در پی مباحث کلی منجی‌گرایی و آینده‌پژوهی و... دنبال کرده‌اند _ و همچنین دین‌پژوهانی که به طور ویژه به موضوع مهدویت در اسلام توجه کرده‌اند، می‌توان از دستهٔ سومی نیز نام برد که مباحث و نظریات آنان می‌تواند به پرورش مباحث مهدوی بیفزاید. این دسته از اندیشمندان، فیلسوفان اجتماعی و جامعه‌شناسان یا اندیشمندان فلسفهٔ سیاسی هستند که به طور لزوم دربارهٔ مباحث کلامی و دینی _ از جمله مباحث مهدویت یا منجی‌گرایی _ بحث نکرده‌اند، اما به فراخور موضوعات تخصصی خویش به گونه‌ای به مباحث مربوط به مهدویت و منجی‌گرایی پرداخته‌اند.

2. روش‌شناسی دین‌پژوهان غربی

آنچه به اختصار گذشت، در تعریف اسلام‌شناسان غربی و زمینه‌های کلی ورود آنان به مباحث اسلامی، به‌ویژه موضوع مهدویت بود. اما نکتهٔ مهم در پی این بحث، این است که «روش‌شناسی» شرق‌شناسان در شناخت شرق چه بوده که این نتایج را به همراه داشته است و چرا میان شرق‌شناسان در نگاه به شرق، این همه ناهمگونی و ناهماهنگی پدید آمده است؟ به طوری که گاه برخی از این نگاه‌ها موافق با فرهنگ شرقیان و برخی دیگر مخالف با نگرش آنان است؛ از این‌رو بجاست به روش‌شناسی شرق‌شناسی، اهتمام و توجهی ویژه شود و مشخص شود که چرا برخی از شرق‌شناسان مدعی ناتوانی مردم مشرق‌زمین در شناسایی خود هستند و بر این باورند که این امر باید توسط غربیان صورت پذیرد.

امروزه روش‌های علمی _ پژوهشی گوناگون، به عنوان ابزاری مناسب برای تحقیق در رشته‌های گوناگون پدید آمده است؛ روش‌هایی همانند روش عقلی و تحلیلی، نقلی و تاریخی، نقلی و وحیانی، تجربی و علمی و روش شهودی و عرفانی^۸ که گزینش روش متناسب با هر موضوع برای نتیجه‌گیری مطلوب و درک بهتر آن می‌تواند کمکی شایان باشد. بدیهی است برای تحلیل و بررسی آرای اسلام‌شناسان غربی لازم است روش پژوهشی آن‌ها نیز مشخص گردد؛ زیرا نوع روش، زاویه نگرش را تغییر می‌دهد. در هر حال، آثار خاورشناسان و اندیشه‌های مطرح شده در نوشته‌های آنان، مرجع تحقیقی نو برای بسیاری از پژوهش‌گران به شمار می‌رود و پژوهش‌های برخوردار از چنین استنادها، نزد اندیشمندان و محققان، ارزش علمی بیشتری دارند. از این‌رو، ارزیابی و نقد این آثار یکی از بایسته‌های پژوهشی کشور است که زمینه را برای عرضه سخنان درست و منصفانه درباره اسلام و تشیع فراهم می‌کند.

شیوه خاورشناسان در برخورد با مؤلفه‌ها و بنیادهای اعتقادی مسلمانان و به‌ویژه شیعیان به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف) روش تاریخی‌نگری: خاورشناسان با این روش می‌کوشند مؤلفه‌های اعتقادی شیعه را با توجه به ریشه‌ها و تحول‌های تاریخی بررسی کنند؛ زیرا این مؤلفه‌های اعتقادی، همانند امامت و مهدویت، در بستری از رویدادهای تاریخی پدید آمده‌اند. شیوه بیشتر دین‌پژوهان پیش از قرن بیستم تا آغاز آن، مانند «فان فلوتن»، «دارمستر»، «گلدزیهر» و... چنین بوده و هنوز هم وجود دارد.

ب) روش پدیدارشناسی: با این روش، به بیان و توصیف آموزه‌های شیعه می‌پردازند و کارکردها و تأثیرات آموزه‌ها را در درون نظام و سیستم اعتقادی و فکری شیعه بررسی می‌کنند. روش افرادی مانند «هانری کربن» و «آنه ماری شیمل» این گونه است.^۹

تأثیرات نگرش فردی بر نوع پژوهش

در برخی موارد در نقد و بررسی آثار اسلام‌شناسان غربی، آن‌چنان که بایسته است دقت نشده و معمولاً با عنوان کلی آرای دین‌پژوهان غربی، به اظهار نظر درباره اندیشه‌های آنان پرداخته‌اند؛ اما _ چنان‌که پیش از این اشاره شد _ اسلام‌شناسان غربی الزاماً همگی اصالت غربی و غیر اسلامی ندارند. بر این پایه، تأثیر این گوناگونی را در چگونگی نگرش آن‌ها نمی‌توان نادیده انگاشت. زمانی یک دین‌پژوه غربی غیرمسلمان با نگاهی کاملاً بیرونی، یک مطلب مهم دینی را به‌بوتۀ نقد و بررسی می‌گذارد و گاهی یک دین‌پژوه غربی مسلمان، با اصالت شرقی به چنین کاری اقدام می‌کند. به نظر می‌رسد روح حاکم بر مطالب و نظریات آن دو یکسان نباشد. این دسته از اندیشمندان شرقی به سبب

اندیشمندان متعهد است. در نگاه کلی، آثار مستشرقان و دین‌پژوهان غربی دربارهٔ اسلام، تا پیش از قرن یازدهم، غالباً انتقاد و تحقیر و توهین به اسلام و برنامه‌های پیامبر ﷺ است. موضوع بیشتر این آثار، عاریه‌ای بودن دین اسلام است؛ یعنی فلسفهٔ اسلامی از حکمت یونانی گرفته شده، کلام اسلامی همان مباحث لاهوتی است که یهود و نصاری تازمه‌مسلمان در دین وارد کرده‌اند و حقوق اسلامی نیز از قوانین رومی گرفته شده است. همچنین بحث خشونت‌آمیز بودن بخش‌هایی از تاریخ اسلام، احکام اسلام و مبحث زن، دست‌آویز برخی از آنان بوده است. اما از اواخر قرن نوزدهم، گروه دیگری دیده می‌شوند که همچون کتاب *عذر تقصیر به پیشگاه محمد ﷺ و قرآن* اثر «جان دیون پورت» و کتاب *الابطال* نوشتهٔ «توماس کارلایل» و همچنین برخی آثار خانم «آنه‌ماری شیمل»، در مقابل گروه نام برده بعضاً به دفاع از اسلام پرداخته‌اند.^{۱۲}

با وجود این سیر تکاملی و عقلی _ که از تعصب و غرض‌ورزی به سوی انصاف و حق‌گویی گرایش داشته _ بر ماست که از کنار نقاط منفی موجود در نگاه‌های این اسلام‌شناسان به راحتی عبور نکنیم؛ زیرا ذوق‌زدگی عده‌ای از کسانی که داعیهٔ روشنفکری داشته‌اند، سبب شده همواره نقاط قوت آثار دین‌پژوهان غربی _ که عمدتاً به روش‌ها محدود می‌شود _ برجسته شده و نقاط ضعف _ که تأثیر مخرب و گاه جبران‌ناپذیری به دنبال داشته _ نادیده گرفته شود؛ نقاط ضعف عمده‌ای مانند:

1. برداشت‌های شخصی و تکیه بر حدسیات که در اغلب نگاه‌ها به آن برمی‌خوریم، بدون آن که به متخصصان در لغت عرب یا علم تفسیر و حدیث مراجعه کرده باشند.

2. برخی از این اندیشمندان، بدون هیچ اعتقاد و باور دینی و با نگاهی منفی به تمدن اسلامی، به پژوهش پرداخته‌اند و گاه برخی از آنان خود را در موضع برتر دیده و با این تصور که تمدن و مذهب آنان برتر از شرقیان است، قضاوت‌های نادرست کرده‌اند.

3. مقطعی و منطقه‌ای دانستن دین اسلام و تعالیم اسلامی با به کار بردن تعبیراتی مانند «دین محمد» یا «دین عربی» و محدود کردن آن به یک مقطع تاریخی یا جغرافیایی خاص.

4. رجوع به منابع دست دوم دربارهٔ اسلام و همچنین کلی‌نگری به جای جزئی‌نگری دربارهٔ شناخت مذاهب اسلامی و برگزیدن شیوه تاریخی‌نگری در تحلیل تمدن اسلامی. در آغاز و انجام مطالعات مستشرقان این پیش‌فرض نهفته بود که اسلام نه یک وحی، بلکه تنها پدیده‌ای است که عاملی انسانی آن را در موقعیت تاریخی خاصی به وجود آورده است.^{۱۳}

5. استناد به رفتارهای عرفی غیرمعتبر و قرار دادن آن به عنوان مبنای فکری مسلمانان و شیعیان؛ زیرا از آن‌جا که بیشتر آن‌ها مشاهدات خود را می‌نگارند، به رفتارهای عوام و رایج و عرفیات بیشتر

توجه دارند تا آن چه در متون اصیل دینی آمده است. این موضوع باعث شده خرافات در نوشته‌های آنان وارد شود.

6. تأکید بر اقتباس اسلام از تعالیم یهود و نصارا و قوانین رومی.

7. استفاده افراط‌گرایانه از ابزار عقل در تحلیل‌های تاریخی و تلاش برای شناخت فرهنگ و تمدن

اسلامی از راه لغت‌شناسی زبان و سنجش تاریخی تمدن‌ها و ادیان.

8. برجسته‌نمایی مسائل اختلافی درون‌دینی و آشنا نبودن با مبانی عقیدتی شیعه و سنی به گونه‌ای که در بعضی موارد بر اساس تفکر یک مذهب خاص از مذاهب اسلامی، اظهار نظر می‌کنند و آن را به دیگر مذاهب تعمیم می‌دهند. این موضوع که در میان دایرة‌المعارف‌نویسان مشهود است، برخی آرای سست را پدید آورده است.

9. گاهی اوقات نیز برخی اندیشمندان غربی، تشیع را بر مبنای تحولات و تأثیر و تأثرات آن در عرصه اجتماع بررسی نموده‌اند و به همین دلیل، عمدتاً اعمال و رفتار شیعیان را به عنوان عقاید حتمی و قطعی آنان پنداشته و این‌گونه منعکس کرده‌اند.

10. افزون بر موارد ذکر شده، گاهی مشاهده شده که مستشرق، هدفی غیر از اسلام‌پژوهی داشته و از همان ابتدا به انگیزه سیاسی یا اهداف تبشیری و استعماری، به این کار اقدام کرده یا این‌که شخصاً به مذهب و تفکری وابسته بوده که مخالفت با اسلام را از همان ابتدا، در پیش گرفته بوده است. در واقع مستشرقان این تفکر را در عرصه دین‌شناسی القا کرده‌اند که دین‌باوری و دین‌ورزی مخالف و متضاد با هر گونه اندیشیدن و تفکر است و به تعارض میان عقل و دین حکم نموده‌اند.^{۱۴} اما نگاهی به تاریخ تمدن اسلامی و تنوع اندیشه‌های فلسفی و نگره‌های عقلانی، به نفی این زمینه انجامیده است؛ حال آن‌که بنا بر فرض این دسته از دین‌پژوهان غربی _ که دین‌ورزی را مخالف با هر گونه آزاداندیشی می‌دانند _ با نوعی ثنویت روبه‌رو می‌شویم که در فضایی از فقدان تأمل و اطاعت کور دینی، قلمروی آزاد اندیشه عقلانی را از ضد آن جدا می‌کند و امکان طرح هرگونه پرسشی را منتفی می‌سازد.^{۱۵} برخی از آنان نیز در رویارویی با آرای اندیشمندان مسلمان تصور می‌کردند که میان علوم و معرفت بشری با معنویت و مذهب هیچ ارتباطی وجود ندارد و این نکته‌ای است که مورد غفلت مستشرقان پس از رنسانس واقع شده است.

3. اسلام‌پژوهی در دایره‌المعارف‌های غربی

اهمیت دایره‌المعارف‌ها

امروزه دایره‌المعارف‌ها از برجسته‌ترین آثار نوشتاری در عرصهٔ دانشگاهی و علمی هستند. پس از آن که موضوعی علمی در سطح مقاله و سپس کتاب مطرح می‌شود و دانش در آن عرصه انبوه می‌گردد، دانشنامه و دایره‌المعارف پدید می‌آید. با توجه به گسترش وسعت دامنهٔ علم در هر موضوع، تألیف دایره‌المعارف کاری گروهی است. به سبب این وسعت علمی و نیاز به کار جمعی است که دایره‌المعارف‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند؛ به گونه‌ای که معمولاً در هر یک از کتابخانه‌های تخصصی، دانشنامه‌ها و دایره‌المعارف‌های مربوط به آن موضوع وجود دارد. با توجه به اهمیت علمی دایره‌المعارف‌ها در دنیای کنونی، تدوین این نوع کتب دربارهٔ مطالعات اسلامی امری ضروری است؛ اما متأسفانه بیشتر دایره‌المعارف‌های موجود در مراکز معتبر علمی جهان، به وسیلهٔ مراکز علمی غیرمسلمان نوشته شده‌اند. به نگارش درآمدن بزرگ‌ترین دایره‌المعارف‌ها دربارهٔ اسلام، در آکسفورد یا کمبریج، بیان‌گر آن است که مراکز علمی جهان اسلام در این امر کوتاهی کرده‌اند.

پیشینهٔ دایره‌المعارف‌نویسی

دربارهٔ پیشینهٔ دایره‌المعارف‌نویسی عده‌ای بر این باورند که گویا پیشینهٔ آن به حدود 15 قرن پیش از میلاد و به چینیان می‌رسد که برخی از این مجموعه‌ها اکنون موجود است. یونانیان دومین ملتی هستند که دایره‌المعارف را پدید آوردند.^{۱۶} پس از انتقال علوم از جهان اسلام به اروپا، دوران شکوفایی دانش و گسترش آن در مغرب‌زمین آغاز شد و در پی آن، آنچه باید در این باره به دست مسلمانان به کمال رسد، در سدهٔ شانزدهم میلادی به دست اروپاییان صورت گرفت و مجموعه‌هایی مشتمل بر معارف بشری و با نام «انسیکلوپدی» تألیف شد. با آن که این مجموعه‌ها با تأخیر، پذیرش عام یافت، ولی سودمندی و کاربرد بسیار آن‌ها از یک سو و احساس نیاز به اطلاعات تفصیلی در زمینه‌های خاص از سوی دیگر، به تدوین دایره‌المعارف‌های تخصصی انجامید.^{۱۷}

دربارهٔ سابقه دایره‌المعارف‌نویسی در جهان اسلام نیز گفته شده که حضرت علی علیه السلام نه تنها در امر کتابت و تدوین علوم، بلکه نخستین فرد در جهان اسلام است که علوم مختلف قرآنی را در مجموعه‌هایی دایره‌المعارف‌گونه گردآوری کرد که بنابر نقل *بصائر الدرجات و اعیان الشیعة* برخی از این آثار عبارتند از:

1. ما ورد عن أمير المؤمنين في أصناف آيات القرآن و أنواعها و تفسير بعض آياتها؛

2. *الجامعة لأئمة المؤمنين* که به تعبیر روایات، به طول هفتاد ذراع و املای پیامبر ﷺ و به خط

حضرت علی علیه السلام است؛

3. *جفر* که حاوی علوم نبوی بوده و دربر گیرنده مسائلی چون حلال و حرام، احکام و... بوده

است.^{۱۸}

از جمله نخستین مجموعه‌های علمی که به یک معنا تا حدی ویژگی‌های دایرةالمعارف‌های تخصصی را دارد، *بحار الأنوار* علامه مجلسی است. این اثر _ که مجموعه کتاب‌های شیعی پیش از عصر صفویه را گردآوری کرده و توسط عده‌ای از عالمان و پژوهش‌گران عصر صفوی و زیر نظر مرحوم مجلسی نوشته شده _ از جمله بی‌نظیرترین دایرةالمعارف‌های حدیثی شیعی است. کتاب *الذریعة* اثر شیخ آقابزرگ تهرانی نیز از آثار ارزنده‌ای است که به کتاب‌شناسی آثار مکتوب شیعه می‌پردازد.

کتاب *أعیان الشیعة* سید محسن امین نیز کار ارزشمند دیگری است که به شرح حال نویسی عالمان و بزرگان شیعی می‌پردازد و حالت دایرةالمعارفی دارد.

از جمله آثار دیگری که دایرةالمعارف‌گونه و حاصل کار گروهی است، کتاب *معجم الرجال* آیت‌الله خویی است که درباره علم رجال نگاشته شده است.^{۱۹}

نخستین مجموعه دایرةالمعارفی از علوم اسلامی به زبان انگلیسی نیز به نام *فرهنگ اسلام*^{۲۰} فراهم آمده، اثر تامس پاتریک هیوز _ کشیش و اسلام‌شناس انگلیسی امریکایی تبار _ است که در سال 1885 میلادی در هندوستان به چاپ رسید.^{۲۱}

گزارشی از مقالات دایرةالمعارف‌های مورد نظر

با توجه به اهمیت دایرةالمعارف‌ها در عرصه‌های علمی و پژوهشی و میزان استفاده و ارزشی که آن‌ها در جوامع علمی دارند، اکنون به معرفی برخی مقالات موجود در ذیل مدخل‌های مربوط به مهدویت می‌پردازیم. از این‌رو، در میان چندین دایرةالمعارف معروف، *دایرةالمعارف اسلام* (چاپ هلند)، *دایرةالمعارف جهان نوین اسلام* (آکسفورد)، *دایرةالمعارف دین* (میرچا الیاده) و *دایرةالمعارف هزاره‌گرایی* را برگزیدیم. از میان مدخل‌ها نیز، در مجموع شش مدخل در چهار عنوان ذیل، انتخاب شد:

1. Al -Mahdi / Mahdi^{۲۲}
2. Kaim Al Muhammad^{۲۳}
3. Mahdism^{۲۴}
4. Messianism / Islamic Messianism^{۲۵}

نویسندگان مدخل‌های نامبرده نیز به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ دسته‌ای از آنان همچون «ویلفرد مادلانگ»، «تیموتی.آر.فرنیش» و «رابرت.اس.کرامر»، شرق‌شناسان و اندیشمندان غربی‌اند که مسلمان نیستند، اما درباره اسلام و مهدویت تخصص دارند. اما دسته دوم اندیشمندان مسلمانی هستند که سال‌ها در غرب زندگی کرده و بر طبق روش آنان، به موضوع پرداخته‌اند. این گروه _ که در دایرةالمعارف‌های قرن بیستم و نزدیک به عصر ما مقاله نوشته‌اند _ بر خلاف دسته اول، لزوماً به موضوع مهدویت نگاهی تاریخی ندارند و مطالب آن‌ها به واقعیت نزدیک‌تر است. «عبدالعزیز ساشادینا» جزو این گروه است.

الف) دایرةالمعارف اسلام^{۲۶}

این اثر، از کامل‌ترین و معتبرترین دایرةالمعارف‌های موجود در جهان غرب است که در سال‌های 1913 تا 1938 میلادی توسط خاورشناسان و با همکاری تنی چند از نویسندگان اسلامی، در چهار جلد و یک ضمیمه به سه زبان انگلیسی، فرانسه و آلمانی از سوی دانشگاه «لیدن» انتشار یافت. آگاهی از نقایص این تألیف و دست‌یابی به اطلاعات و منابع جدید تحقیق، ضرورت تألیف مجدد یا تجدید نظر در برخی مقالات را آشکار ساخت. از این‌رو، ویرایش دوم این دایرةالمعارف، از سال 1954 میلادی آغاز شد و در سال 2005 میلادی توسط یک شرکت هلندی پایان یافت. ویرایش سوم این مجموعه نیز، از سال 2007 میلادی آغاز شده و تاکنون پنج جلد و سه جزء تکمیلی به زبان‌های انگلیسی و فرانسه منتشر شده و به نظر می‌رسد مجموع آن به 12 جلد برسد.^{۲۷}

از ویژگی‌های این دایرةالمعارف _ که با محوریت اسلام و عقاید و آرای فرق اسلامی به نگارش درآمده _ توجه به اعتقادات اختصاصی شیعه و زندگی تحلیلی امامان این مکتب است که اگرچه در بسیاری از مواضع، قابل نقد و بررسی می‌نماید، اما در هر حال آینه تمام‌نمای چگونگی نگرش اسلام‌شناسان غربی درباره مکتب تشیع است که می‌تواند مبنایی بسیار محکم برای برنامه‌ریزی علمای شیعه نسبت به معرفی صحیح و مستند این مکتب باشد. در این دایرةالمعارف، مجموعاً دو مدخل درباره تحلیل زندگانی وجود مقدس حضرت به نگارش درآمده است که عبارتند از مدخل «المهدی» و «قائم آل محمد».

«ویلفرد مادلانگ»^{۲۸} سرویراستار دایرةالمعارف یادشده و نگارنده این دو مقاله مهدوی، متولد 1930 میلادی و اصالتاً آلمانی است. او که _ در سال 1957 از دانشگاه هامبورگ دکتری افتخاری خود را در مطالعات اسلامی دریافت نمود _ در سال 1985 به همراه خانواده به امریکا مهاجرت کرد. وی در فاصله سال‌های 1978 تا 1998 میلادی، استاد برجسته زبان عربی در دانشگاه آکسفورد بود. او مطالب فراوانی درباره تاریخ اسلام، به‌ویژه فرقه‌های شیعی از جمله اسماعیلیه نگاشته است. وی از برجسته‌ترین اسلام‌شناسان معاصر است، به طوری که «گلیو» از او به عنوان پدر مطالعات شیعی مدرن در بریتانیا نام می‌برد.^{۲۹}

مادلانگ در مقاله «المهدی» به بررسی سیر تاریخی به‌کارگیری واژه «مهدی» و بهره‌گیری اشخاص و گروه‌ها از این لفظ می‌پردازد. به عقیده او، شکل‌گیری اولیه این واژه در دوران بنی‌امیه صورت گرفته و در ابتدا لقبی محترمانه بوده، بدون این که بار مسیحایی داشته باشد. اما با نهضت عباسیان و امید به ظهور یک احیاگر دین و برپا کننده حکومت عادلانه، این لقب بار معنایی ویژه‌ای پیدا کرد. مادلانگ در نهایت به تفاوت دیدگاه شیعه و سنی در این باره پرداخته است. او در مدخل «قائم آل محمد»، مدعی می‌شود که لقب «قائم» از اوایل قرن دوم هجری برای مهدی مورد انتظار به کار رفته و شیعه امامیه و اسماعیلیه، به طور گسترده‌ای از این عنوان به جای واژه مهدی استفاده کرده‌اند. وی در این مقاله مختصر، به علایم حتمی ظهور نیز اشاره کرده است.

ب) دایرةالمعارف هزاره‌گرایی^{۳۰}

این دایرةالمعارف به جنبش‌های مذهبی یا معنوی در اطراف دنیا و عقاید مرتبط با هزاره‌گرایی در ادیان گوناگون می‌پردازد. عرصه هزاره‌شناسی، عرصه‌ای جدید است که مسیحیت، جهان غرب و دیگر ادیان مانند اسلام، یهودیت، بودیسم، هندویسم، کنفوسیوسیسیم، مورموریسم و همچنین برخی از جنبش‌های موجود در دنیا را پوشش می‌دهد و نیز حاوی مقالاتی درباره سال 2000 میلادی و ویژگی‌های آن است. این دایرةالمعارف تاریخی و چند فرهنگه، جنبش‌های جهانی از آفریقا، آسیا، اقیانوسیه تا امریکای شمالی و جنوبی را دربر می‌گیرد. *دایرةالمعارف هزاره‌گرایی* صد و پنجاه مدخل دارد و با ویراستاری «ریچارد. ال. لندز»^{۳۱} در سال 2001 میلادی توسط نشر «راتلیج» در امریکا و انگلستان به چاپ رسیده است. در این دایرةالمعارف، در ذیل مدخل «Islam»، درباره جریان مهدویت و مهدی‌گرایی مقاله‌ای با نام «Mahdism»^{۳۲} اثر «تیموتی. آر. فرنیش»^{۳۳} آمده است. محور بحث این مقاله، فرجام‌شناسی تطبیقی میان سه دین ابراهیمی بزرگ _ یعنی یهودیت، مسیحیت و اسلام _ است. او پس از مقایسه کلی فرجام‌شناسی اسلامی با فرجام‌شناسی در سنت یهود و

مسیحیت، به تجزیه و تحلیل مهدویت در اسلام می‌پردازد و در بخش نتیجه‌گیری مقاله، دلایل افزایش شدید توجه به حضرت مهدی علیه السلام و مهدویت را در جهان برمی‌شمرد و در ضمن، به نقش بسیار حیاتی پیروزی انقلاب اسلامی ایران در الگودهی به دکترین مهدویت در میان ملت‌ها اشاره می‌کند.

نگارنده این مقاله، حدود سه دهه آموزش و تجربه در تاریخ، فرهنگ، سیاست، جغرافیا و مذاهب اسلامی را در کارنامه خود دارد. تخصص او در مباحث آخرالزمانی، جنبش‌ها و فرقه‌های اسلامی، روابط مسلمانان و مسیحیان و مهدویت است. او زبان‌شناس و مسلط به زبان عربی است و از سال 1983 تا 1987 میلادی به عنوان بازجوی عربی، عضو ارتش ایالات متحده و مسئول جمع‌آوری اطلاعات تاکتیکی و عملیات استراتژیک در سطح فرماندهان ارتش امریکا بوده و هم‌زمان به عنوان کشیش در ارتش امریکا خدمت کرده است. او پیش از این کتابی با عنوان *مقدس‌ترین جنگ‌ها* نوشته و در آن از مهدی‌های اسلامی، جهاد و اسامه بن لادن سخن گفته است.

ج) دایرةالمعارف جهان نوین اسلام^{۳۴}

این دایرةالمعارف، به سر ویراستاری «جان اسپوزیتو»^{۳۵} در سال 1995 میلادی و برای رفع نیاز به مرجعی عمده برای دستیابی سریع به پژوهش‌های جدید درباره تأثیر حضور اسلام در سطح جهانی، توسط انتشارات آکسفورد منتشر شد. این دایرةالمعارف، مکمل و متمم *دایرةالمعارف اسلام* بوده و حدود هفتصد و پنجاه مقاله را در سه هزار صفحه جای داده است. اما نسبت به *دایرةالمعارف اسلام* _ که عمدتاً بر متون سنتی و تاریخ قرون میانه تأکید داشته و اثری مفصل با کارکرد تخصصی است _ تمرکز اصلی خود را بر شیوه‌هایی قرار داده که مسلمانان از طریق آن، امور سیاسی، اجتماعی و نیز ادبیات و متون رسمی خود را بیان داشته‌اند.

در تدوین این اثر، سه ویژگی عمده خودنمایی می‌کند: تأکید بر دوره معاصر، تأکید بر روش‌شناسی علوم اجتماعی و تأکید بر توازن میان رویکرد اصول‌گرا با واقعیت‌های جهان اسلام.

این دایرةالمعارف با رویکردی تطبیقی، توسط چهارصد و پنجاه محقق و اسلام‌شناس تدوین شده و دارای امتیازات ذیل است:

1. بر اساس استانداردهای علمی و مقبول در حوزه دایرةالمعارف‌نویسی تدوین شده است؛
2. نه به مانند *دایرةالمعارف اسلام*، مفصل و تخصصی است و نه چندان مختصر و همگانی؛

3. برخلاف برخی دایرةالمعارف‌ها همچون *دایرةالمعارف دین و دایرةالمعارف ایرانیکا*،

یک‌جا منتشر شده و حالت انتظار نداشته است؛

4. طراحان آن به معرفی جهان اسلام امروزی نظر داشته‌اند.

ترجمه این دایرةالمعارف با هدف دسترسی شمار بیشتری از محققان، با ویراستاری حسن طارمی‌راد، محمد دشتی و مهدی دشتی انجام شده و توسط انتشارات «کتاب مرجع» در سال 1388 شمسی به چاپ رسید. از نکات مثبت این ترجمه، اقداماتی برای تصحیح برخی متون بوده که با افزودن تکمله و حاشیه و توضیح برای مقالات انجام شده است.

از این دایرةالمعارف، دو مدخل با عنوان «Mahdi» و «Messianism»^{۳۶} انتخاب گردیده است. «رابرت. اس. کرامر»^{۳۷}، نویسنده مقاله «مهدی»، متخصص در امور آفریقا و خاورمیانه است. او از سال 1989 میلادی عضو هیئت علمی بوده، کارشناسی ارشد خود را در مطالعات خاورمیانه از دانشگاه شیکاگو و دکتری خود را درباره تاریخ آفریقا، از دانشگاه «نورث وسترن» گرفته است. وی از سال 1980 میلادی به مدت دو سال در دانشگاه امریکایی قاهره به فراگیری زبان عربی پرداخت. همچنین مطالعات گسترده‌ای درباره اوضاع سودان از قرن هجدهم تا بیستم میلادی انجام داده است. او در سال 2011، جایزه پژوهش‌گر برجسته را از دانشگاه نورث وسترن دریافت کرد.^{۳۸} کرامر در مقاله «مهدی»، به اختصار کوشیده درباره واژه مهدی و دیدگاه شیعه و سنی و همچنین سیر تاریخی و تحولات اجتماعی مبتنی بر مهدویت، مطالبی را بیان نماید. او بر این باور است که واژه مهدی بر شخصیتی معادشناختی دلالت دارد که حضور او پیش از آخرالزمان، به ایجاد عدالت همگانی و فراگیر خواهد انجامید. اما اهل سنت با تکیه بر اجماع علما و اعتقاد به توان جامعه برای اصلاح خود، به لحاظ نظری، ضرورت اعتقاد به چنین شخصیتی را نفی می‌کنند.

دومین مدخل منتخب از *دایرةالمعارف جهان نوین اسلام*، «Messianism» است. «عبدالعزیز

عبدالحسین ساشادینا»^{۳۹} _ مؤلف مقاله _ ابتدا به بررسی ویژگی‌های مهدویت از دیدگاه قرآن پرداخته و ترسیم سیمای معنوی و اخلاقی مهدویت در اسلام را مد نظر قرار داده است. او جست‌وجوی عدالت و صلح را جوهر مهدویت می‌داند. در بخش دوم مقاله، مؤلف به تحلیل تاریخی و جامعه‌شناختی مهدویت روی آورده و در سه مقطع تاریخی کلی به بررسی سیر مهدی‌گرایی و نهضت‌های مربوط به مهدویت پرداخته است: مقطع اول، دوران ظهور پیامبر اسلام ﷺ و ائمه ع و دو سلسله جبار بنی‌امیه و بنی‌عباس را دربر می‌گیرد. مقطع دوم عبارت است از پایان هزاره اول اسلام که افراد در گروه‌های مختلفی اقدام به احیای امیدهای مردم نسبت به ظهور یک مصلح الهی کردند؛ مانند سید محمد

جانپور که در هندوستان ادعای مهدویت کرد یا مهدی سودانی (محمد احمد بن عبدالله) که در دو دهه پایانی قرن نوزدهم در آن کشور ظهور کرد. مقطع سوم، اواخر قرن بیستم را دربر می‌گیرد که انقلاب اسلامی ایران، بحران خلیج فارس و دیگر حوادث مهم سیاسی این دوران از جمله وقایع و نشانه‌های بحث‌برانگیز ظهور حضرت مهدی علیه السلام به شمار می‌آیند.

در میان دین‌پژوهانی که این نوشتار درصدد واکاوی اندیشه‌های آنان است، «ساشادینا» تنها اسلام‌شناس غربی مسلمان است. وی متولد سال 1942 میلادی و از شیعیان امامیه تانزانیاست. او تحصیلات دانشگاهی خود را در دهه پنجاه شمسی در دانشگاه فردوسی مشهد آغاز کرد. پس از چندین سال اقامت در ایران و تسلط بر زبان فارسی، دوره دکتری مطالعات مذهبی را در دانشگاه تورنتوی کانادا سپری نمود و در سال 1976 از پایان‌نامه خود در موضوع مهدویت دفاع کرد. وی به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی مسلط بوده و از نادر اسلام‌شناسان مسلمان است که به زبان انگلیسی مقاله و کتاب می‌نویسد و آثار او درباره اسلام و به‌ویژه مهدویت، مورد استناد منابع غربی قرار گرفته است.^{۴۰}

د) دایرةالمعارف دین^{۴۱}

این دایرةالمعارف، ویراسته «میرچا الیاده»^{۴۲} و به زبان انگلیسی، در 16 جلد و حدود هشت هزار صفحه، دارای دو هزار و هفتصد و پنجاه مقاله است. میرچا الیاده از اسطوره‌شناسان و دین‌پژوهان نامدار عصر حاضر است. این دانشمند نمادشناس، قوم‌شناس و دین‌شناس رومانیایی و استاد تاریخ دانشگاه شیکاگو، با همکاری هزار و چهارصد نفر از محققان پنجاه کشور در حوزه ادیان مختلف جهان _ از جمله ایران _ دهه پایانی عمر خویش را صرف تدوین این دایرةالمعارف کرد که پس از *دایرةالمعارف اخلاق و دین* «هستینگز» از مهم‌ترین منابع موجود در قلمروی دین‌شناسی، مطالعات مقایسه‌ای دین و روش‌های دین‌پژوهی است. بخش عمده این دایرةالمعارف به بررسی ادیان اسلام، مسیحیت، یهود و آیین هندو اختصاص دارد.

تکیه این مجموعه بر تاریخ ادیان جهان با توجه به سه محور اساسی اندیشه الیاده _ تاریخ، پدیدارشناسی (نمادها، باورها، اعمال) و تأویل (هرمونیک) _ است. ویراستاران مقاله‌های اسلام‌شناسی، «آنه ماری شیمل» و «چارلز آدامز» هستند. ویرایش اول این دوره 16 جلدی در سال‌های 1986 و 1987 میلادی توسط انتشارات «مک میلان» انجام شد. اما تحولات دنیا پس از سال 1987 و موضوعاتی مانند جهانی شدن و دین، معنویت، ادیان جهانی، نهضت‌های جدید دینی و شرق‌شناسی باعث شد ویرایش دوم این اثر، در یک پروژه پنج ساله و با همکاری بیش از سیصد نفر از

استادان دانشگاه‌های _ عمدتاً _ امریکا به سامان رسد. سرویراستاری ویرایش دوم را «لیندسی جونز»، استاد مطالعات مقایسه‌ای دانشگاه اوهایو بر عهده دارد.^{۴۳}

مدخل انتخاب شده از دایرةالمعارف دین، با عنوان «Messianism» نوشته «هلمر رینگرن»^{۴۴} عقیده «مسیح‌باوری» را در سه بخش بررسی می‌کند:

1. نگاه اجمالی و بین فرهنگی به مفهوم و عقیده مسیح‌باوری در ادیان مختلف به‌ویژه در مسیحیت؛

2. مسیح‌باوری در آیین یهود؛

3. مسیح‌باوری (مهدویت) در اسلام.

رینگرن در بخش سوم این مقاله _ که موضوع اصلی بحث ما را نیز تشکیل می‌دهد _ مهدویت در اسلام را بررسی کرده، اما در ابتدای کتاب‌شناسی خود تذکر می‌دهد که هیچ مطالعه جامعی درباره کل موضوعات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام و نهضت‌های تاریخی وابسته نیافته و تنها دو کتاب را می‌تواند به عنوان منابعی مهم درباره ظهور اولیه، سابقه و توسعه دیدگاه حضرت مهدی علیه السلام در نهضت‌های شیعی معرفی نماید: کتاب *آغاز مهدویت اثر «ژان اولاف»* و کتاب *مهدویت در اسلام، ایده مهدی در شیعه دوازده امامی اثر عبدالعزیز ساشادینا*.

هلمر رینگرن _ نویسنده این مقاله _ متولد 1917 میلادی در آلاباما و دارای دکترای الهیات و معارف اسلامی است. او در بین سال‌های 1947 تا 1959، استاد تاریخ مذهبی دانشگاه اویسالا بوده و در همان دانشگاه تا سال 1983، تفسیر متون مذهبی عهد قدیم را تدریس کرده است.

نتیجه

صاحبان مقالات مورد بحث، یا همچون ساشادینا از آن دسته اسلام‌شناسان مسلمان هستند که در دانشگاه‌های معتبر غربی کرسی تدریس دارند، یا مانند مادلانگ، فرنیش و کرامر در دسته دین‌پژوهان غربی غیرمسلمان قرار دارند. درباره انگیزه اصلی ورود این دین‌پژوهان به مباحث اسلامی، به‌ویژه موضوعات مرتبط با مهدویت، نمی‌توان به قطع سخن گفت، اما با توجه به رشته مطالعاتی افراد نام‌برده _ که عمدتاً شرق‌شناسی و تمدن اسلامی است _ تحولات سیاسی و اجتماعی و ایجاد نهضت‌ها و فرقه‌ها در جهان اسلام بنابر عقیده به مهدویت از یکسو و نگاه کلان و بین‌الادیانی به

موضوع آینده بشریت و اعتقاد به منجی و موعود آخرالزمان از سوی دیگر، می‌تواند نظر آنان را به مهدویت جلب کرده باشد.

با فرض این مطلب که این مقالات با انگیزه علمی به نگارش درآمده باشند، انتخاب نوع روش پژوهش نیز در نگاه پژوهش‌گر به موضوع، تأثیر بسزایی خواهد داشت. در دهه‌های اخیر، دو روش «تاریخی‌نگری» و «پدیدارشناسی» روش‌های عمده پژوهشی در آثار اسلام‌شناسان غربی به شمار می‌روند.

منابع

1. اندیشه نوین اسلامی در رویارویی با استعمار غرب، محمد بهی، ترجمه: حسین سیدی، مشهد، به نشر، 1377 ش.
2. «خاورشناسان و فرقه‌شناسی»، محمد نوری، فصل‌نامه هفت آسمان (مجله تخصصی ادیان و مذاهب)، شماره 1، 1378 ش.
3. دایرةالمعارف اسلام، هلند، لیدن، دانشگاه لیدن، 1986 م.
4. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، چاپ پنجم، 1383 ش.
5. دایرةالمعارف تشیع، زیر نظر احمد حاج‌سیدجوادی و کامران فانی، اصفهان، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البيت علیهم‌السلام، بی‌تا.
6. دایرةالمعارف جهان نوین اسلام، انگلستان، دانشگاه آکسفورد، 1995 م.
7. دایرةالمعارف دین، زیر نظر میرچا الباده، نیویورک، انتشارات مک‌میلان، 1987 م.
8. دایرةالمعارف هزاره‌گرایی، امریکا _ انگلستان، انتشارات راتلیج، 2001 م.
9. روشنفکران ایران؛ روایت‌های یأس و امید، علی میرسپاسی، ترجمه: عباس مخبر، تهران، نشر توسعه، چاپ دوم، 1386 ش.
10. «شاخص‌های تحلیلی و آسیب‌های محتوایی آثار شرق‌شناسان»، ناهید طیبی، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تشیع و خاورشناسان، به کوشش: محمدرضا بارانی، قم، نشر خاکریز، 1388 ش.
11. شرق‌شناسی و مهدویت (دفتر اول)، سید رضی موسوی گیلانی، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، 1379 ش.
12. شیعه‌پژوهی و شیعیان انگلیسی‌زبان، غلام احیا حسینی، قم، انتشارات شیعه‌شناسی، 1387 ش.
13. قلب اسلام، سیدحسین نصر، ترجمه: مصطفی شهرآیین، تصحیح: شهرام پازوکی، تهران، انتشارات حقیقت، 1383 ش.

14. مدرسه پژوهش و نگارش (سیری در نگرش‌های فکری و مهارت عملی تحقیق...)، مجید حیدری فر، قم، بوستان کتاب، 1389ش.

15. Bearman, TH,& others, The Encyclopedia of Islam, Netherland, Leiden, 2000.
16. Eliade, Mircea, The Encyclopedia of Religion, New York, Collier Macmillan publisher, London, 1987.
17. Recharad A, Encyclopedia millennialism and Millennial Movements, London, Routledge, 2000.
18. The Oxford Encyclopedia of Modern Islamic World, Oxford, 1995.

- ^۱ نک: «شاخص‌های تحلیلی و آسیب‌های محتوایی آثار شرق‌شناسان»، ص 18.
- ^۲ «مطالعات خاورشناسی که به قرن سیزدهم میلادی برمی‌گردد ابتدا جنبه دینی داشت، ولی بعدها انگیزه تجاری و سیاسی در آن دخیل شد... و مبلغان مذهبی، رهبران استعمار را قانع کردند که مسیحیت قاعده استعمار غرب در شرق خواهد شد.» (اندیشه نوین اسلامی در رویارویی با استعمار غرب، ص 266)
- ^۳ نک: شرق‌شناسی و مهدویت، ص 12.
- ^۴ «شاخص‌های تحلیلی و آسیب‌های محتوایی آثار شرق‌شناسان»، ص 18.
- ^۵ «نوشته‌های کسانی که چشم دلشان را عقیده به این‌که اسلام مذهبی است دون مرتبه مذهب خودشان، تیره و تار کرده است. اگر این نظر حاصل صدق و صفای مذهبی باشد باز غالباً شایسته احترام است.» (شرق‌شناسی و مهدویت، ص 20)
- ^۶ مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تشیع و خاورشناسان، ص 11.
- ^۷ نک: شرق‌شناسی و مهدویت، ص 10 - 13.
- ^۸ نک: مدرسه پژوهش و نگارش، ص 35.
- ^۹ «شاخص‌های تحلیلی و آسیب‌های محتوایی آثار شرق‌شناسان»، ص 34.
- ^{۱۰} همان، ص 116.
- ^{۱۱} «خاورشناسان و فرقه‌شناسی»، ص 176.
- ^{۱۲} «شاخص‌های تحلیلی و آسیب‌های محتوایی آثار شرق‌شناسان»، ص 115.
- ^{۱۳} قلب اسلام، ص 3.
- ^{۱۴} شرق‌شناسی و مهدویت، ص 23.
- ^{۱۵} روشنفکران ایران، ص 68.
- ^{۱۶} دایرة المعارف تشیع، ج 7، ص 441.
- ^{۱۷} دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 1، ص 8.
- ^{۱۸} دایرة المعارف تشیع، ج 7، ص 442.
- ^{۱۹} شرق‌شناسی و مهدویت، ص 363.
20. Dictionary Of Islam
- ^{۲۱} دایرة المعارف تشیع، ج 7، ص 445.
- ^{۲۲} دایرة المعارف اسلام، ج 5، مدخل Al Mahdi، ص 1230 - 1238. دایرة المعارف جهان نوین اسلام، مدخل Mahdi، ص 18 - 19.
- ^{۲۳} دایرة المعارف اسلام، ج 4، ص 456 - 457.
- ^{۲۴} دایرة المعارف هزاره‌گرایی، ذیل مدخل Islam، ص 187 - 191.

-
26. Encyclopedia OF Islam. ^{۳۵}. دایرةالمعارف جهان نوین اسلام، ص 95 - 99؛ دایرةالمعارف دین، ج 9، ص 469 - 481.
28. Wilferd. Madelung. ^{۳۷}. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 1، ص 8.
30. Encyclopedia Of Millennialism and Millennial Movements. ^{۳۹}. نک: شیعه پژوهی و شیعیان انگلیسی زبان، ص 295 - 297.
31. Richard.A.Landes.
32. Mahdism in Islamic History.
33. Timothy.R.Furnish.
34. The Oxford Encyclopedia Of Modern Islamic World.
35. John.L.Esposito . ^{۳۶}. مهدی باوری.
37. Robert.s.Kramer.
38. [http://Robert Kramer,Associated Professor Of History-st-Norbert College](http://Robert.Kramer,Associated.Professor.Of.History-st-Norbert.College).
39. Abdulaziz A.Sachedina. ^{۴۰}. شرق شناسی و مهدویت، ص 268.
41. Encyclopedia Of Religion.
42. Mircea Eliade.
43. <http://C-Library.um.ac.ir/parameters/c-library/filemanager/Mirch>.
44. Helmer Ringgren.